



الطار، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۴۰۷ق؛
صحیح البخاری: البخاری (م. ۲۵۶ق.)، بیروت، دار
 الفکر، ۱۴۰۱ق؛ **الطبقات الكبرى**: ابن سعد
 (م. ۲۳۰ق.)، بیروت، دار صادر؛ **العرب و اليهود فی
 التاريخ**: احمد سوسه، دمشق، ۱۹۷۲م؛ **علل
 الشرايع**: الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به کوشش بحر
 العلوم، نجف، المكتبة الحیدریه، ۱۳۸۵ق؛ **عمدة
 القاری**: العینی (م. ۸۵۵ق.)، بیروت، دار احیاء
 التراث العربی؛ **غریب القرآن الکریم**: الطریحی
 (م. ۱۰۸۵ق.)، به کوشش محمد کاظم، قم،
 زاهدی؛ **فتح الباری**: ابن حجر العسقلانی
 (م. ۸۵۲ق.)، بیروت، دار المعرفه؛ **قاموس الكتاب
 المقدس**: بطرس عبدالملک و دیگران، قاهره، دار
 الثقافه، ۱۹۹۴م؛ **قصص الانبياء**: ابن کثیر
 (م. ۷۷۴ق.)، به کوشش مصطفی عبدالواحد، دار
 الکتب الحیدیه، ۱۳۸۸ق؛ **قصص الانبياء**:
 الجزائری (م. ۱۱۱۲ق.)، قم، الشریف الرضی؛
الكافي: الكلینی (م. ۳۲۹ق.)، به کوشش غفاری،
 تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش؛ **الکامل
 فی التاريخ**: ابن اثیر علی بن محمد الجزری
 (م. ۶۳۰ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق؛ **کتاب
 مقدس**: ترجمه: فاضل خان همدانی، ویلیام گلن،
 هنری مرتن، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰ش؛ **کنز
 الدقایق**: المشهدی (م. ۱۱۲۵ق.)، به کوشش
 درگاهی، تهران، وزارت ارشاد، ۱۴۱۱ق؛ **لسان
 العرب**: ابن منظور (م. ۷۱۱ق.)، قم، ادب الحوزه،
 ۱۴۰۵ق؛ **مجمع البیان**: الطبرسی (م. ۵۴۸ق.)، به
 کوشش گروهی از علما، بیروت، اعلمی، ۱۴۱۵ق؛
مروج الذهب: المسعودی (م. ۳۴۶ق.)، به کوشش
 اسعد داغر، قم، دار الهجره، ۱۴۰۹ق؛ **المستدرک
 علی الصحیحین**: الحاکم النیشابوری (م. ۴۰۵ق.)،
 به کوشش مرعشلی، بیروت، دار المعرفه،
 ۱۴۰۶ق؛ **مسند احمد**: احمد بن حنبل
 (م. ۲۴۱ق.)، بیروت، دار صادر؛ **المعارف**: ابن
 قتیبه (م. ۲۷۶ق.)، به کوشش ثروت عکاشه، قم،


شریف رضی، ۱۳۷۳ش؛ **معجم البلدان**: یاقوت
 الحموی (م. ۶۲۶ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵م؛
المعرب من الکلام الاعجمی: الجوالیقی
 (م. ۵۴۰ق.)، به کوشش خلیل عمران، بیروت، دار
 الکتب العلمیه، ۱۴۱۹ق؛ **من لایحضره الفقیه**:
 الصدوق (م. ۳۸۱ق.)، به کوشش غفاری، قم، نشر
 اسلامی، ۱۴۰۴ق؛ **المیزان**: الطباطبایی
 (م. ۱۴۰۲ق.)، بیروت، اعلمی، ۱۳۹۳ق؛ **نور
 الثقلین**: العروسی الحویزی (م. ۱۱۱۲ق.)، به
 کوشش رسولی محلاتی، اسماعیلیان، ۱۳۷۳ش؛
واژه های دخیل در قرآن مجید: آر تور جفری،
 ترجمه: بدره ای، توس، ۱۳۷۲ش؛ **وسائل الشیعه**:
 الحر العاملی (م. ۱۰۴ق.)، قم، آل البیت 
 ۱۴۱۲ق؛ **الهدی الی دین المصطفی **: البلاغی
 (م. ۱۳۵۲ق.)، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۵ق.




Judaica, Letterpress Enterprises,
 Jerusalem, ۱۹۹۶.

علی شیخ



ابراهیم بن محمد : فرزند رسول

خدا  مدفون در بقیع

ابراهیم فرزند رسول خدا  و مادرش
 ماریه قبطیه*، کنیزی بود که مَقْوَس، حاکم
 اسکندریه، در سال ششم ق. به پیامبر اکرم 
 هدیه کرد.^۱ ماریه کنیزی سفید و زیباروی و
 مورد علاقه رسول خدا  بود^۲ و پس از اسلام

۱. السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۲۳؛ المعارف، ص ۱۴۳؛ الاستیعاب، ج ۱،
 ص ۵۴.
 ۲. الطبقات، ج ۱، ص ۱۰۷.

ایشان، تأکیدی بر استحباب این رسم هنگام ولادت فرزند است.

بعد از تولد ابراهیم، زنان انصار بسیار مشتاق بودند تا به وی شیر دهند. پیامبر او را به ام برده، دختر مُنذر بن زید از طایفه بنی نجار^۸ و همسر براء بن اوس^۹ سپرد. ایشان هر روز برای دیدن فرزندش ابراهیم به قبیله بنی نجار می‌رفت و خواب قیلوله نیمروز خود را کنار پسرش ابراهیم انجام می‌داد.^{۱۰}

رسول خدا ﷺ ابراهیم را شبیه خود می‌دانست. ابن سعد در روایتی از عایشه آورده است: روزی رسول خدا ﷺ ابراهیم را همراه خود نزد عایشه برد و به او فرمود: «انظُرِي إِلَى شَبَّهٍ بِي»؛ «شباهتش را به من بنگر». عایشه گفت: شباهتی نمی‌بینم. وی فرمود: مگر سفیدی او را نمی‌بینی؟ عایشه پاسخ داد: هر کودکی که دوران جنینی‌اش کوتاه باشد، سفید و فربه می‌شود.^{۱۱}

باردار شدن ماریه از پیامبر، سبب ناخوشایندی برخی از همسران ایشان شد.^{۱۲} نیز در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده است که رسول خدا ﷺ به ماریه دستور حجاب داد. این

آوردن، رسول خدا ﷺ او را به همسری برگزید و او را در نخلستانی که امروز به «مَشْرَبَه اُمِّ اِبْرَاهِيمِ» معروف است و از اموال بنی نضیر بود، جای داد.^۱ مشربه امروز در شارع علی بن ابی طالب علیه السلام جای دارد و با دیواری سیمانی محصور شده است. ابراهیم در ذی حجه سال هشتم ق. در مدینه از ماریه زاده شد.^۲ خبر ولادت او را قابله ماریه، سَلْمَى، کنیز آزاد شده رسول خدا ﷺ برای شوهرش ابورافع آورد. ابورافع مژده تولد ابراهیم را به پیامبر داد و ایشان غلامی را برای مژدگانی به ابورافع بخشید^۳ و فرمود: امشب دارای فرزندی شدم. نام پدرم ابراهیم را بر او نهادم.^۴ نیز فرمود: این پسر، مادرش را از بردگی آزاد کرد.^۵ بعد از تولد ابراهیم، جبرئیل با کنیه «ابو ابراهیم» نزد رسول خدا ﷺ آمد و بر ایشان سلام داد.^۶ روز هفتم ولادت ابراهیم، رسول خدا ﷺ گو سفندی را به رسم عقیقه، قربانی کرد و به وزن موهای سر او میان فقیران نقره قسمت کرد. سپس دستور داد آن موها را دفن کنند.^۷ این کار رسول خدا ﷺ به عنوان سنت

۱. الطبقات، ج ۱، ص ۱۰۷.

۲. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۸۷؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۶۲.

۳. انساب الاشراف، ج ۲، ص ۱۱۹؛ المجموع، ج ۵، ص ۱۱۱.

۴. الاستیعاب، ج ۱، ص ۵۴.

۵. الطبقات، ج ۱، ص ۱۰۸.

۶. الطبقات، ج ۱، ص ۱۰۸.

۷. الاستیعاب، ج ۱، ص ۵۴.

۸. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۸۷؛ انساب الاشراف، ج ۲، ص ۸۶.


۹. اسد الغابه، ج ۱، ص ۳۹؛ ج ۵، ص ۵۶۸.


۱۰. الطبقات، ج ۱، ص ۱۰۸؛ الاصابه، ج ۷، ص ۱۶۷.







۱۱. الطبقات، ج ۱، ص ۱۰۹؛ انساب الاشراف، ج ۲، ص ۸۶.

۱۲. الطبقات، ج ۱، ص ۱۰۸.

بر زنان ایشان ناخوش آمد و سبب حسادت آنان به ماریه شد.^۱ گویا همین سبب انتقال ماریه به بیرون مدینه گشت.

ابراهیم پس از یک سال و اندی، روز سه‌شنبه دهم ربیع الاول سال دهم ق. وفات یافت.^۲ برخی وفات او را در ۱۸ رجب همان سال دانسته‌اند.^۳ مدت عمر وی را به اختلاف ۱۶ یا ۱۸^۴ یا ۲۲ ماه گفته‌اند.^۵ بنا بر این که او در ذی‌حجه سال هشتم زاده شده و در ربیع الاول سال دهم رحلت کرده باشد، ۱۶ ماه زنده بوده است. رسول خدا  بعد از درگذشت او فرمود: او در بهشت دایه‌ای دارد که باقیمانده مدت شیرخواری‌اش را کامل خواهد کرد.^۶

هنگام مرگ او خورشید گرفت و مردم پنداشتند که خورشید گرفتگی به سبب درگذشت او است. رسول خدا  دستور داد مردم در مسجد گرد آیند. سپس فرمود: خورشید و ماه دو نشانه خدایند که برای مرگ یا زندگی کسی نمی‌گیرند.^۷ پیامبر در مرگ فرزندش ابراهیم سخت اندوهگین شد و

گریست. از ایشان پرسیدند: آیا شما هم گریه می‌کنید؟ فرمود: دل می‌سوزد و چشم اشک می‌ریزد؛ اما سخنی نمی‌گویم که خدا را به خشم آورد. این گریه از سر مهربانی و دلسوزی است.^۸ بعد از درگذشت ابراهیم، رسول خدا  دستور داد تا علی بن ابی‌طالب  او را برای دفن آماده کند. امام علی  او را غسل داد و کفن کرد.^۹ سپس پیامبر فرمود: او را در کنار یار پیشگام خود، عثمان بن مظعون* دفن می‌کنیم: «نَدْفُهُ عِنْدَ فَرَطْنَا عِثْمَانَ بْنِ مِظْعُونٍ». عثمان از این جهت پیشگام خوانده شده که نخستین دفن شده در بقیع بود. به دستور پیامبر گرامی  ابراهیم را در قبرستان بقیع و کنار قبر عثمان بن مظعون که رسول خدا به او علاقه بسیار داشت، دفن کردند.^{۱۰} هنگام دفن ابراهیم، پیامبر  به علی بن ابی‌طالب  دستور داد تا وارد قبر شود و سنگ لحد را بگذارد. مردم گمان کردند جایز نیست کسی وارد قبر فرزند خود شود. پیامبر فرمود: حرام نیست که در قبر فرزندان خویش وارد شوید؛ اما از این بیمناکم که وقتی در قبر وارد شوید و کفن را از صورت فرزندان کنار زنید، شیطان با شما بازی کند تا در بی‌تابی

۸. المصنف، ج ۳، ص ۵۵۳؛ جمهرة انساب العرب، ج ۵، ص ۱۴۶.
 ۹. الکافی، ج ۳، ص ۲۰۸.
 ۱۰. الطبقات، ج ۳، ص ۴۰۰؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۴۳؛ ج ۱۰، ص ۲۵۳.

۱. الطبقات، ج ۱، ص ۱۰۸.
 ۲. الطبقات، ج ۱، ص ۱۱۵.
 ۳. مصباح‌المتهجد، ص ۸۱۲.
 ۴. الطبقات، ج ۱، ص ۱۱۲؛ انساب الاشراف، ج ۲، ص ۸۸.
 ۵. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۸۷.
 ۶. الطبقات، ج ۱، ص ۱۱۱؛ مسند ابی‌یعلی، ج ۳، ص ۲۵۱؛ فتح الباری، ج ۳، ص ۱۹۵.
 ۷. مسند احمد، ج ۴، ص ۲۴۵؛ جمهرة انساب العرب، ج ۵، ص ۹۷.

یافت که مستند فقها برای سه حکم فقهی شد؛ از جمله استحباب نماز میت بر کودک، و نه وجوب آن.^۷

از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است: اگر ابراهیم زنده می ماند، جزیه را از هر قبلی برمی داشتم و هیچ یک از دایی های او برده نمی شدند. نیز نقل کرده اند که امام حسن مجتبی علیه السلام با معاویه گفت و گو کرد تا در گرفتن جزیه از اهالی حَفْن از منطقه اَنْصَنّا زادگاه مادر ابراهیم تسامح ورزد.^۸

◀ **مقبره ابراهیم:** بنا بر گزارش مورخان، افرادی برجسته از خاندان پیامبر و صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله در بقیع گنبد و بارگاه هایی داشتند که به دست وهابی ها ویران شد. از جمله این گنبدها که از گنبدهای دیگر بلندتر و بزرگ تر بوده، گنبد ابراهیم بوده است.^۹ ابن بطوطه (م. ۷۷۹ق.) که خود در سال ۷۲۵ق. از بقیع دیدار کرده، مشاهدات خود را از گنبد ابراهیم چنین وصف می کند: از جمله مشاهد متبرکه، بقیع عَرَقَد است که در شرق مدینه جای دارد و راه آن از دروازه مشهور به باب البقیع است. وقتی از دروازه مزبور خارج

افراط ورزید و اجر و پاداش شما تباه شود.^۱ بعد از دفن ابراهیم، پیامبر دستور داد بر روی قبر وی آب پاشند.^۲

پس از مرگ ابراهیم، برخی از زنان رسول خدا صلی الله علیه و آله طعنه زدند که اگر محمد پیامبر بود، فرزندش نمی مرد.^۳ برخی نیز ایشان را ابتر نامیدند.^۴ عده ای از مردم گفتند: رسول خدا از شدت بی تابی و ناراحتی فراموش کرد بر فرزندش نماز بگزارد. جبرئیل فرود آمد و سخنان مردم را به رسول خدا خبر داد. پیامبر روبه روی جمعیت ایستاد و فرمود: جبرئیل سخنان شما را به من خبر داد. اما چنان نیست که گفتید. خداوند متعالی پنج نماز بر شما واجب کرده و امر فرموده که نماز میت نخوانم مگر بر جنازه ای که نماز خوانده باشد یا به صورت تمرینی بتواند نماز بخواند.^۵ مقصود از این جمله اخیر آن است که دست کم آن کودک به هفت سالگی رسیده باشد. از این رو، در فقه شیعه نماز میت تنها بر جنازه کودکی واجب است که شش سال او تمام شده باشد.^۶ بر پایه روایتی از امام کاظم علیه السلام پس از درگذشت ابراهیم سه سنت جریان

۱. الکافی، ج ۳، ص ۲۰۹؛ المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۴.

۲. الطبقات، ج ۱، ص ۱۱۳؛ الاستیعاب، ج ۱، ص ۱۵۷.

۳. تاریخ دمشق، ج ۳، ص ۱۷۶؛ النوادر، ص ۱۰۳.

۴. کتاب سلیم بن قیس، ص ۲۷۸.

۵. المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۳؛ الکافی، ج ۳، ص ۲۰۸-۲۰۹.

۶. الحدائق، ج ۱۰، ص ۳۷۱؛ نک: جواهر الکلام، ج ۱۲، ص ۸.


۷. تذکرة الفقهاء، ج ۴، ص ۱۶۷؛ الخلاف، ج ۱، ص ۶۷۸.

۸. الطبقات، ج ۱، ص ۱۰۷.

۹. الطبقات، ج ۱، ص ۱۱۵؛ مغنی المحتاج، ج ۴، ص ۲۵۹؛ الجامع

الصغیر، ج ۲، ص ۴۳۳.


۱۰. مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۴۲۶.

می‌شوی، در سمت چپ، قبر صفیه و روبه‌روی آن، قبر مالک بن انس است که گنبدی کوچک دارد و در جلو آن قبر فرزند گرامی رسول خدا  ابراهیم است که گنبدی سفید دارد.^۱

قبه‌ها و گنبد‌های بقیع تا زمان حکومت سعودی‌ها برقرار بوده است. سمهودی نیز از این گنبد‌ها، به ویژه گنبد و بارگاه ابراهیم، چنین گزارش می‌دهد: ضریح ابراهیم مانند ضریح امام حسن مجتبی و عباس و چسبیده به دیوار جنوبی حرم است و در دیوار آن شبکه‌هایی دیده می‌شود.^۲ ظاهراً این گنبد‌ها تجدید بنا می‌شده است. با وجود گزارش‌هایی از سده‌های پیشین از گنبد ابراهیم، رفعت پاشا گفته است: این گنبد بالای قبر ابراهیم در سال ۱۲۳۳ق. به دست سلطان محمود عثمانی بنا گردیده است.^۳

◀ منابع

الاستیعاب: ابن عبدالبر (م. ۴۶۳ق.)، به کوشش البجاوی، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲ق؛ **اسد الغابه**: ابن اثیر علی بن محمد الجزری (م. ۶۳۰ق.)، به کوشش علی محمد، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق؛ **الاصابه**: ابن حجر العسقلانی (م. ۸۵۲ق.)، به کوشش علی محمد و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق؛ **انساب**

الاشراف: البلاذری (م. ۲۷۹ق.)، به کوشش زکار، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷ق؛ **تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوک)**: الطبری (م. ۳۱۰ق.)، به کوشش گروهی از علماء بیروت، اعلمی، ۱۴۰۳ق؛ **تاریخ الیعقوبی**: احمد بن یعقوب (م. ۲۹۲ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۵ق؛ **تاریخ مدینه دمشق**: ابن عساکر (م. ۵۷۱ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق؛ **تذکره الفقهاء: العلامة الحلی** (م. ۷۲۶ق.)، قم، آل البيت ، ۱۴۱۴ق؛ **الجامع الصغیر: السیوطی** (م. ۹۱۱ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۱ق؛ **جمهره انساب العرب**: ابن حزم (م. ۴۵۶ق.)، به کوشش گروهی از علماء بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ **جواهر الکلام: النجفی** (م. ۱۲۶۶ق.)، به کوشش قوچانی و دیگران، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ **الحدائق الناضره: یوسف البحرانی** (م. ۱۱۸۶ق.)، به کوشش آخوندی، قم، نشر اسلامی، ۱۳۶۳ش؛ **الخلاف: الطوسی** (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش سید علی خراسانی و دیگران، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۸ق؛ **رحلة ابن بطوطه**: ابن بطوطه (م. ۷۷۹ق.)، به کوشش علی منتصر، بیروت، الرساله، ۱۴۰۵ق؛ **السیرة النبویه**: ابن هشام (م. ۲۱۳-۸ق.)، به کوشش محمد محیی‌الدین، مصر، مکتبه محمد علی صبیح و اولاده، ۱۳۸۳ق؛ **الطبقات الکبری**: ابن سعد (م. ۲۳۰ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ق؛ **فتح الباری**: ابن حجر العسقلانی (م. ۸۵۲ق.)، بیروت، دار المعرفه؛ **الكافی: الكلینی** (م. ۳۲۹ق.)، به کوشش غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش؛ **کتاب سلیم بن قیس: الهلالی** (م. ۷۶ق.)، به کوشش انصاری، قم، الهادی، ۱۴۲۰ق؛ **المجموع شرح المذهب: النووی** (م. ۶۷۶ق.)، دار الفکر؛ **المحاسن: ابن خالد البرقی** (م. ۲۷۴ق.)، به کوشش حسینی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۲۶ش؛ **مرآة**

۱. رحلة ابن بطوطه، ص ۱۴۳.

۲. وفاء الوفاء، ج ۳، ص ۳۰۳.

۳. مرآة الحرمين، ج ۱، ص ۴۲۶.

خدماتی چشمگیر به ویژه در مسجدالحرام داشت. از اقدام‌های او تعمیر جای‌هایی از مسجدالحرام بود که پیش‌تر ویران شده بودند؛ اما علت ویرانی آن‌ها در منابع گزارش نشده است. او در ماه رجب سال یاد شده، همه آن ویرانی‌ها را با ۳۰/۰۰۰ دیناری که به این کار اختصاص داده بود، تعمیر کرد^۲ و با مانده آن مبلغ، قناتی را که زبیده^۳ همسر هارون الرشید از عرفات به سمت مکه روان ساخته بود، بازسازی و تعمیر کرد.^۳

وی خانه خدا را که دو سال^۴ بدون پرده بود، با پارچه سفید بافت هند پوشانید که همراه خود آورده بود.^۵ این بر خلاف رسم عباسیان بود که کعبه را با پارچه سیاه که شعار آنان بود، می‌پوشاندند؛ رسمی که مدت‌ها پس از آنان نیز ادامه یافت.^۶ نیز وی ناودانی نقره‌ای برای کعبه نصب کرد و گفت: اگر مطمئن بودم که ناودان طلائی بر جای می‌ماند، آن را از طلا می‌ساختم.^۷ از دیگر اقدام‌های او تعمیر مسجد تنعیم^۸ معروف به مسجد هلیجه^۹ بود که

۲. اتحاف الوری، ج ۲، ص ۴۷۵؛ مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۲۸۳.
 ۳. العقد الثمین، ج ۳، ص ۲۶۱.
 ۴. میقات حج، ص ۵۷، ص ۷۸. «تاریخ حج‌گزاری».
 ۵. شفاء الغرام، ج ۱، ص ۳۳۱؛ مرآة الحرمین، ج ۱، ص ۲۸۳؛ التاریخ القویوم، ج ۲، ص ۵۵۷.
 ۶. اخبار مکه، ج ۱، ص ۲۵۸؛ تاریخ مکه، ص ۲۷۸.
 ۷. العقد الثمین، ج ۳، ص ۲۶۱-۲۶۲؛ اتحاف الوری، ج ۲، ص ۴۷۶؛ تحصیل المرام، ج ۱، ص ۴۷۴.
 ۸. العقد الثمین، ج ۳، ص ۲۶۱؛ اتحاف الوری، ج ۲، ص ۴۷۵.

الحریمین: ابراهیم رفعت پاشا، قاهره، دار الکتب المصریه، ۱۳۴۴ق؛ مسند ابی‌یعلی: احمد بن علی بن المثنی (م. ۳۰۷ق.)، به کوشش حسین سلیم، بیروت، دار المأمون للتراث؛ مسند احمد: احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ق.)، بیروت، دار صادر؛ مصباح المنتهجد: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، بیروت، فقه الشیعیه، ۴۱۱ق؛ المصنّف: عبدالرزاق الصنعانی (م. ۲۱۱ق.)، به کوشش حبیب الرحمن، المجلس العلمی؛ المعارف: ابن قتیبه (م. ۲۷۶ق.)، به کوشش ثروت عکاشه، قم، شریف رضی، ۱۳۷۳ش؛ مغنی المحتاج: محمد الشربینی (م. ۹۷۷ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۷ق؛ النوادر: احمد بن عیسی اشعری، قم، مدرسه الامام المهدی (عج)، ۱۴۰۸ق؛ وفاء الوفاء: السمهودی (م. ۹۱۱ق.)، به کوشش قاسم السامرائی، مؤسسه الفرقان، ۱۴۲۲ق.

رمضان محمدی



ابراهیم بن محمد استرآبادی: از

بنیان ایرانی کارهای عمرانی مکه در سده پنجم

ابونصر ابراهیم بن محمد بن علی استرآبادی فارسی^۱ از ایرانیانی است که در دو شهر مقدس مکه و مدینه خدمات عمرانی مهمی را پی ریخته است. از سال تولد و درگذشت وی گزارشی در دست نیست. او در سال ۴۶۶ق. به مکه عزیمت کرد و در مدت حضورش،

۱. العقد الثمین، ج ۳، ص ۲۶۱؛ التحفة اللطیفه، ج ۱، ص ۲۵۴.